

بررسی رابطه ولی- فرزندی و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیر شاغل

**The Comparison of Child-Parent Relationship and Externalizing Disorders in Children with Employed and Unemployed Mother**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۸، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۴/۴/۲۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۲۰

**A. Khodabakhshi koolae., (Ph.D), Sh., Hassani, (MA) & M.r Falsafinejad., (PhD)**

آناهیتا خدابخشى کولایى<sup>۱</sup>، شهرزاد حسنى<sup>۲</sup> و محمدرضا فلسفى نژاد<sup>۳</sup>

**Abstract:** The aim of current study is the comparison of the relationship between parent-child and externalizing disorders in children with employed and unemployed mother. This research is a causal-comparative study. The sample size is 200 employed and unemployed women with children, boys and girls, from 5-6 years age of kindergartens of Arak city in 2014-15. The method research is a cluster sampling. It was utilized the Child Behavior Checklist (CBCL), parent-child relationship survey (PCRS), and assessment of maternal employment status to gather the data. It was used the t test independent to analyze the data. The results indicated that there is a significant difference between relationship parent-child among employed and unemployed mothers. In addition, it was not observed any significant difference in externalizing disorders among children of these mothers. The findings show that the lack of employed mothers' present influences the quality of the child relation, however, the other factors other than employment is effective on creating the externalizing behaviors.

**چکیده:** هدف پژوهش حاضر مقایسه رابطه ولی- فرزندی و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیر شاغل است. پژوهش حاضر یک مطالعه علی- مقایسه‌ای است. حجم نمونه ۲۰۰ مادر شاغل و غیر شاغل دارای کودکان پسر و دختر ۵ تا ۶ ساله مهد کودک‌های شهر اراک در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ است. روش پژوهش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه مشکلات رفتاری کودک (CBCL)، پرسشنامه ارزیابی رابطه والد- فرزند (PCRS) و پرسشنامه سنجش وضعیت اشتغال مادران استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین رابطه‌ی ولی فرزندی در بین مادر شاغل و مادران غیر شاغل وجود دارد. تفاوت معناداری در متغیر اختلالات برون نمود در کودکان این گروه از مادران دیده نشد. یافته‌ها نشان داد فقدان حضور مادران شاغل بر کیفیت رابطه با کودک تأثیر می‌گذارد ولی در ایجاد رفتارهای برون نمود عوامل دیگری به غیر از اشتغال مادر موثر است.

**Key word:** Child-Parent relationship, Externalizing disorders, Maternal employment

**کلید واژه‌ها:** رابطه ولی- فرزندی، اختلالات برون نمود، اشتغال مادران

۱. استادیار گروه مشاوره و روانپشناسی، دانشگاه غیرانتفاعی خاتم، تهران، ایران

anna\_khodabakhshi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد روان شناسی، سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، اراک، ایران

۳. دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## مقدمه

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری است و رابطه والدین با فرزندان نقش مهمی در سلامت روان آن‌ها دارد (خدایاری فرد، ۱۳۸۲). به این معنا که، رابطه ولی-فرزندی، به‌طور ویژه رابطه مادر-کودک از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. گاهی اوقات ارتباط اشتباه والدین با کودکان خود باعث ناهنجاری‌های رفتاری در کودکان می‌گردد (حسن‌زاده و چراغی، ۱۳۹۰). مطالعات نشان داده‌اند، مادرانی که دارای رابطه ولی-فرزندی مناسبی با کودکان خود نیستند، فرزندان‌شان دارای اختلالات خواب، مشکلات رفتاری و ناسازگاری و مشکلات برون نمود<sup>۱</sup> بیشتری هستند (سونگ<sup>۲</sup>، هیسکوک<sup>۳</sup>، سیبراس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). اختلالات برون‌نمود دربرگیرنده‌ی دو گروه رفتارهای قانون‌شکنانه و پرخاشگرانه است که در قالب سه اختلال نارسایی توجه/فزون‌کنشی، اختلال رفتار هنجاری<sup>۵</sup> و اختلال نافرمانی<sup>۶</sup> در DSM-IV-TR آمده‌اند (ماش و بارکلی، ۲۰۰۲ به‌نقل از جلالی و همکاران، ۱۳۸۸). نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که اختلالات برونی‌سازی، بیشتر به کلینیک‌ها ارجاع داده می‌شوند (کازدین<sup>۷</sup>، وایتلی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳؛ برسلو<sup>۹</sup> و همکاران، ۱۹۹۹، به‌نقل از بیرامی، ۱۳۸۸). در جمعیت‌های ارجاع شده به کلینیک‌ها، میزان شیوع این اختلالات بالای ۵۰ درصد گزارش شده، لذا بخش وسیعی از موارد بالینی را شامل می‌شوند (کوستین<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). اما باید توجه داشت که بسیاری از کودکانی که در سال‌های نخستین کودکی واجد مشکلات عاطفی و رفتاری هستند نه تنها به سادگی از آن عبور نمی‌کنند، بلکه ممکن است این امر تا دوران بلوغ و حتی بزرگسالی نیز تداوم یابد (گیمپل<sup>۱۱</sup> و هالند<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲). که مبتنی بر پذیرش این واقعیت است که مشکلات عاطفی و رفتاری اغلب به‌طور طبیعی کاهش نخواهد یافت، که موجب معطوف شدن توجه فزاینده‌ای به پیشگیری و درمان در این مشکلات شده است (کارت‌رایت-هاریون<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۵، به-

- 
1. Externalizing behavior
  2. Sung
  3. Hiscock
  4. Sciberras
  5. Normative misbehavior
  6. Defiant disorder
  7. Kazdin
  8. Whitley
  9. Breslow
  10. Costin
  11. Gimpel
  12. Holland
  13. Cartright-Hattont

نقل از جلالی و همکاران، ۱۳۸۸). در باب علت‌شناسی این اختلالات عوامل زیادی مطرح شده است محرک‌های محیطی نامناسب مانند عدم پذیرش کودک، عدم محبت و حمایت کافی از سوی والدین، افراط در محبت، بی‌هدفی در خانواده، سردی کانون خانواده، عدم مراقبت و دلسوزی مادر، دلبستگی نامین در دوران کودکی، تاثیرات رفتاری نامناسب بر روی کودکان دارد (پانديا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، به‌نقل از تیموری و عطایی‌فر، ۱۳۸۹)، که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ناتوانی والدین در مدیریت رفتار کودک و تعامل منفی والد-کودک اشاره کرد (بارت<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۳؛ برادلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ اسمارت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱، به‌نقل از هالنشتین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ به‌نقل از بیرامی، ۱۳۸۸). پژوهش‌ها نشان دادند «زمان» مفهومی مهم در ارتباط بین مادر-کودک است. در نظریه‌های تحولی «زمان» به‌عنوان یک منبع یا وسیله ارزشمندی است که والدین آن را در فرزندان‌شان سرمایه‌گذاری می‌کنند (هوستون و آرونسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵ به‌نقل از خانجانی و محمود زاده، ۱۳۸۸). علاوه بر این، با توجه به رشد روزافزون مادران شاغل تمام وقت که ساعات طولانی در روز جدا از فرزند خود به سر می‌برند، بنابراین غیرمنطقی نیست اگر این مادران از لحاظ روانی و عاطفی برای کودکان خود غیرقابل دسترس باشند. کالیل<sup>۷</sup> و دیونی فون<sup>۸</sup> (۲۰۰۷) دریافتند نقش نظارتی مادر شاغل بر روی ابعاد مختلفی از زندگی کودک نسبت به مادران غیرشاغل بسیار کاهش می‌یابد و به‌واسطه این نظارت کمتر احتمال افزایش مشکلات رفتاری و تفاوت در سبک-های فرزندپروری، بیشتر می‌شود. در همین راستا، کابرا<sup>۹</sup>، هافرث<sup>۱۰</sup> و هانکوک<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۴) دریافتند که ساعات بالای اشتغال مادران، در طی دو سال پیش‌بینی‌کننده بروز رفتارهای برون نمود در کودکانی هستند که دارای خودتنظیمی پایینی هستند. این در حالی است که خانجانی و محمودزاده (۱۳۹۲) نشان دادند کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری با هم ندارند. هم‌چنین، نس<sup>۱۲</sup> و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که اشتغال مادر تنها در بروز رفتارهای درون‌سازی شده چون افسردگی/ اضطراب موثر است و رابطه-

- 
1. Pandia
  2. Burt
  3. Bradly
  4. Smart
  5. Holenstein
  6. Huston & Aronson
  7. Kalil
  8. Dunifon
  9. Cabrera
  10. Hofferth
  11. Hancock
  12. Nes

بررسی رابطه ولی- فرزند و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیر شاغل

ای بین اشتغال مادران و رفتارهای برون نمود وجود ندارد. مادران خانه دار به طور معناداری شیوه تربیتی مقتدرانه تری از مادران شاغل داشتند. ولی در شیوه فرزندپروری تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. به نظر می رسد که اشتغال مادر در بیرون از منزل به تنهایی تبیین کننده مشکلات و اختلالات رفتاری و عاطفی کودک نیست و متغیرهای مهم دیگری مانند خصوصیات فردی چون شیوه های مقابله با استرس و خودپنداره (خدابخشی کولابی، حسینیان و فلسفی نژاد، ۱۳۹۳) تمایل و اشتیاق مادر به کار خود نقش مهمی دارد. از سویی دیگر، و بررسی رابطه ولی- فرزند، اختلالات برون نمود در کودکان و اشتغال مادران ما را بر آن داشت که به منظور یافتن پاسخی روشنگر و قاطع در پی پژوهش در این حیطة باشیم که چه تفاوتی در رابطه ولی- فرزند و اختلالات برون نمود در کودکان با مادران شاغل و غیر شاغل وجود دارد. لازم به ذکر است طی پژوهش هایی که در زمینه ارتباط اشتغال مادران با اختلالات کودکان نتایج متناقضی به دست آمده است (خانجانی و محمودزاده، ۱۳۹۲) بنابراین انجام پژوهش هایی در این زمینه برای جامعه در حال دگرگونی ما از اهمیت وافری برخوردار است.

### روش پژوهش

روش پژوهش علی- مقایسه ای است. جامعه آماری این پژوهش کلیه مادران شاغل (۱۰۰ نفر) و غیر شاغل (۱۰۰ نفر) دارای کودکان پسر و دختر ۵ تا ۶ ساله مهدکودک های شهر اراک در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ است. روش نمونه گیری به صورت تصافی خوشه ای دومرحله ای است. به این صورت است که در هر یک از مناطق شهری (تقسیمات شهرداری اراک که شامل چهار منطقه است) یک مهدکودک به صورت تصادفی انتخاب شد. در مجموع ۴ مهد انتخاب گردید. پس از انتخاب مهدکودک ها، انتخاب نمونه ها آغاز گردید. آزمودنی ها (مادران و کودکان) از اهداف پژوهش آگاه شدند. پس از کسب رضایت آگاهانه از آزمودنی ها پرسشنامه ها بین آن ها توزیع شد و از آن ها خواسته شد تا ضمن مطالعه کامل پرسشنامه به تمامی سوالات آن ها پاسخ دهند.

### روش جمع آوری اطلاعات

در این پژوهش ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه مشکلات رفتاری کودک، ارزیابی رابطه والد- فرزند و سنجش وضعیت اشتغال مادران بود.

## ۱- سیاهه مشکلات رفتاری کودک (CBCL):<sup>۱</sup>

این سیاهه یکی از فرم‌های نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنیخ است که توسط یکی از والدین براساس وضعیت کودک در شش ماه گذشته تکمیل می‌شود. در این سیاهه مقیاس‌هایی براساس اختلالات DSM-IV تنظیم شده است، که عبارتند از مشکلات انزوا/افسردگی، اضطراب/افسردگی، مشکلات بدنی، نارسایی توجه/ فزون-کنشی، نادیده گرفتن قوانین و رفتارهای پرخاشگرانه. از مجموع نمرات مقیاس‌های رفتار پرخاشگرانه و رفتارهای قانون‌شکنانه نمره کلی مشکلات برونی‌سازی شده به دست می‌آید. نقطه برش برای هر خرده مقیاس ۹۰-۹۷/۷ درصد و برابر نمره T ۷۰-۶۷ است، بدین معنی که نمره T پایین‌تر از ۶۷، بالاتر از ۷۰. بین ۶۷ و ۷۰ به ترتیب مشخص‌کننده افراد بهنجار، افراد دچار مشکلات رفتاری-هیجانی و افراد در مرز بالینی است (یزدخواستی و عریضی، ۱۳۹۰). نتایج هنجاریابی این سیاهه، نشان داد که ضرایب آلفای مقیاس‌های سندرمی مبتنی بر DSM-IV در سطح رضایت‌بخشی قرار دارد و دامنه آن از ۰/۶۴ تا ۰/۸۱ است. روایی سازه و محتوای این سیاهه نیز در هنجاریابی ایرانی مورد تأیید قرار گرفته است. نمرات برش در نسخه فارسی همانند نسخه اصلی است (مینایی، ۱۳۸۵، یزدخواستی و عریضی، ۱۳۹۰)

## ۲- پرسشنامه ارزیابی رابطه والد- فرزند (PCRS)<sup>۲</sup>

این مقیاس یک ابزار ۲۴ سوالی برای سنجیدن رابطه‌ی کودک‌کان با والدین‌شان است. این مقیاس توسط فاین<sup>۳</sup>، ورلی<sup>۴</sup> و شوبل<sup>۵</sup> (۱۹۸۳)، ساخته شده که این ابزار برای سنجیدن رابطه‌ی هر کودک و حتی خردسالان با والدین‌شان نیز مناسب است. مقیاس رابطه ولی- فرزند دو صورت دارد، یکی برای سنجیدن رابطه مادر با فرزند و دیگری برای سنجیدن رابطه پدر با فرزند. هر دو فرم مقیاس یکسان است، به جز این که کلمه مادر یا پدر عوض می‌شوند (ثنایی‌ذاکر، ۱۳۸۷). در این پژوهش، از فرم مربوطه به رابطه ولی با فرزند استفاده شده است. پرسشنامه از چهار عامل تشکیل شده است: عاطفه‌ی مثبت شامل ۱۵ ماده، آزرده‌گی و سردرگمی نقش شامل ۲ ماده، همانندسازی نقش شامل ۳ ماده و ارتباط و گفت و شنود شامل ۷ ماده. مقیاس رابطه‌ی ولی-فرزند با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۱ تا ۰/۹۶ برای خرده‌مقیاس‌های رابطه مادر گزارش شده است. پرهیزگار (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ

1. Child Behavior Checklist
2. parent-child relationship survey (pcrs)
3. Fine
4. Worley
5. Schewebel

بررسی رابطه ولی- فرزند و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیر شاغل

برای فرم مادر ۰/۹۲ محاسبه کرد که نشان داد این پرسشنامه از همسانی درونی عالی برخوردار است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا شاخص‌های مربوط به آمار توصیفی (میانگین، واریانس، انحراف معیار) محاسبه گردید، سپس با بهره‌گیری از آزمون T مستقل برای فرضیه‌های مربوط، به بررسی تفاوت‌ها پرداخته شد. کلیه داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها ارائه شده است. ۵/۵۰٪ مادران در طیف سنی ۳۰-۳۵ سال و ۳۰٪ نادران دارای مدرک فوق دیپلم هستند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

| متغیر   |                     | شاغل |     | غیرشاغل |     | کل  |       |
|---------|---------------------|------|-----|---------|-----|-----|-------|
| سن      | زیر ۳۰ سال          | ۳۱   | ۳۱٪ | ۴۱      | ۴۱٪ | ۷۲  | ۳۶٪   |
|         | بین ۳۰ تا ۳۵ سال    | ۵۹   | ۵۹٪ | ۴۲      | ۴۲٪ | ۱۰۱ | ۵۰٫۵٪ |
|         | بین ۳۶ تا ۴۰ سال    | ۵    | ۵٪  | ۱۰      | ۱۰٪ | ۱۵  | ۷٫۵٪  |
|         | بیش از ۴۰ سال       | ۵    | ۵٪  | ۷       | ۷٪  | ۱۲  | ۶٪    |
| تحصیلات | دیپلم               | ۲۲   | ۲۲٪ | ۴۰      | ۴۰٪ | ۶۲  | ۳۱٪   |
|         | فوق دیپلم           | ۳۳   | ۳۳٪ | ۳۵      | ۳۵٪ | ۷۸  | ۳۹٪   |
|         | لیسانس              | ۲۵   | ۲۵٪ | ۲۰      | ۲۰٪ | ۴۵  | ۲۲٫۵٪ |
|         | فوق لیسانس و بالاتر | ۲۰   | ۲۰٪ | ۵       | ۵٪  | ۲۵  | ۱۲٫۵٪ |

براساس جدول ۲، رابطه‌ی ولی فرزند در بین کودکان دارای مادر شاغل و کودکان دارای مادر غیرشاغل متفاوت است و این متغیر در کودکان دارای مادر غیرشاغل وضعیت مناسب‌تری دارد ( $t=6.84, df=198, \text{sign}=0.001$ ). همچنین، تفاوت معناداری در دو گروه از مادران شرکت‌کننده در پژوهش یعنی مادران شاغل و غیرشاغل از نظر اختلالات برون نمود کودکان دیده نشده است ( $t=0.261, df=198, \text{sign}=0.235$ ).

جدول ۲. آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین دو گروه از مادران شرکت‌کننده در پژوهش در متغیر رابطه والد - فرزندی و اختلالات برون‌نمود

| متغیر              | گروه            | تعداد نمونه | میانگین | انحراف معیار | درجه آزادی | T     | سطح معناداری |
|--------------------|-----------------|-------------|---------|--------------|------------|-------|--------------|
| رابطه والد- فرزند  | مادران شاغل     | ۱۰۰         | ۱۳/۹۳   | ۲/۶۷         | ۱۹۸        | ۶,۸۴  | ۰/۰۰۱        |
|                    | مادران غیر شاغل | ۱۰۰         | ۱۶/۹۷   | ۳/۵۳         |            |       |              |
| اختلالات برون نمود | مادران شاغل     | ۱۰۰         | ۴۸/۹۹   | ۲۱/۴۳        | ۱۹۸        | ۰,۲۶۱ | ۰/۲۳۵        |
|                    | مادران غیر شاغل | ۱۰۰         | ۴۹/۸۱   | ۲۲/۹۵        |            |       |              |

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه والد-فرزندی و اختلالات برون‌نمود در کودکان دارای مادران شاغل و غیرشاغل پرداخته شد. نتایج حاکی از تفاوت معنادار در رابطه والد- فرزند در مادران شاغل و غیرشاغل است، این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌ها همسو است (کروتر<sup>۱</sup> و بامپوس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ روترز<sup>۳</sup>، ون در لیپه<sup>۴</sup> و کلوئر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). همچنین، بی‌یر<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) نشان داد که اشتغال مادر بر روی سبک فرزندپروری و رابطه ولی- فرزندى تاثیر می‌گذارد و این نیز به نوبه خود به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای روی پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر دارد. به‌عبارتی اشتغال مادران زمان اختصاصی به کودکان را کاهش می‌دهد، اما مادرانی که زمان خود را مدیریت می‌کنند و در واقع کنترلشان بر زندگی کودک را حفظ می‌کنند، کودکان‌شان مشکلات رفتاری کمتری دارند (بیانچی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰؛ جکسون<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۰؛ هوتسون<sup>۹</sup> و روزنکرانتز ارونسون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر، اگر اشتغال مادر قبل از ۹ ماهگی کودک اتفاق بیفتد، ارتباط منفی با رشد شناختی کودک دارد. ولی اشتغال مادر در سنین بعد از دو-سه سالگی کودک ارتباط مثبتی با رشد شناختی کودک دارد (ولدفوجل<sup>۱۱</sup>، هان<sup>۱۲</sup>، بروکز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). بنابراین رابطه ولی- فرزندى در

1. Crouter
2. Bumpus
3. Roeters
4. Van Der Lippe
5. Kluwer
6. Beyer
7. Bianchi
8. Jackson
9. Huston
10. Rosenkrantz Aronson
11. Waldfogel
12. Han

بررسی رابطه ولی- فرزند و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیر شاغل

مادران شاغل و غیرشاغل به عوامل مختلفی بستگی دارد که با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی شهر اراک و محیطی که این پژوهش در آن صورت گرفته است رابطه ولی-فرزند در بین کودکان دارای مادر شاغل و کودکان دارای مادر غیرشاغل متفاوت بود.

دومین یافته پژوهش حاضر نشان داد، تفاوت معنی داری بین کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از لحاظ مشکلات رفتاری وجود ندارد. این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌ها همسو و با برخی غیر همسو است. برخی یافته‌ها نشان داده‌اند، اشتغال مادران رابطه معنی داری با مشکلات رفتاری کودکان ندارد (برگر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ هاروی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹، مور<sup>۴</sup> و دریسکول<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ گلدبرگ<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۸؛ خانجانی و محمودزاده، ۱۳۹۲؛ میلیکی<sup>۷</sup>، نومآگوچی<sup>۸</sup> و دنی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵). هم‌چنین نتایج مطالعات دانیل<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد در صورتی که ساعات کاری روزانه مادر به صورت استاندارد کمتر از ۳۶ ساعت در هفته باشد تفاوت معنی داری بین مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل و خانه‌دار وجود ندارد. در پژوهشی کلارک-استوارت<sup>۱۱</sup> و ماینر<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۸) نشان دادند حضور کودک در مهد به علت اشتغال مادر دارای تاثیرات منفی و مثبت است به این معنا که نگهداری کودک در مراکز مراقبتی با کیفیت بالا موجب رشد شناختی، کلامی و اجتماعی در کودکان می‌شود و بالعکس. در مطالعه‌ای دیگر کوتاه و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند کودکانی که به مهد کودک رفته اند و تحت مراقبت غیرمادرانه بوده اند نسبت به کودکانی که به مهد کودک نرفته‌اند (تحت مراقبت مادرانه) از پرخاشگری و مشکلات رفتاری بالاتری برخوردار هستند. اما این مسئله فقط در مورد طبقات پایین اجتماع با درآمد پایین (زاچریسون و دیرینگ<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۵؛ لارسون، ۲۰۱۵) صادق بود یعنی در طبقات اجتماعی بالا و متوسط تفاوت معنی داری بین این دو گروه از کودکان مشاهده نشد. بنابراین می‌توان گفت، اگر شرایط خانوادگی، کیفیت مهد کودک، تعداد ساعات اقامت در مهد کودک را ثابت نگه داریم تفاوت معنی داری از لحاظ مشکلات

- 
1. Brooks
  2. Berger
  3. Harvey
  4. Moore
  5. Driscoll
  6. Goldberg
  7. Milkie
  8. Nomaguchi
  9. Denny
  10. Daniel
  11. Clarke \_ Stewart
  12. Miner
  13. Zachrisson & Dearing



رفتاری بین کودکان مادران شاغل و غیرشاغل وجود ندارد. در مورد یافته‌های این پژوهش نیز می‌توان این طور نتیجه گرفت که به دلیل هم سطح بودن کیفی مهدکودک‌های شهر اراک تفاوت معنی‌داری، بین کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از نظر مشکلات رفتاری مشاهده نشد.

به عبارت دیگر یک تبیین کلی آن است که اشتغال مادران به تنهایی قدرت پیش‌بینی اختلافات روانی و رفتاری را در کودکان ندارد و به نظر می‌رسد عوامل درون گروهی متعددی از جمله سن کودک در هنگام جدایی روزانه از مادر، طول مدت جدایی روزانه تمام وقت یا نیمه وقت، نوع مراقبت اعمال شده در غیاب مادر، کیفیت مهد کودک یا مراکز مراقبت روزانه، چگونگی رفتارهای جبرانی مادر هنگام بازگشت به منزل، سبک والدگری مادر و پدر، میزان مشارکت پدر در مراقبت از کودک در غیاب مادر و دیگر متغیرهای واسطه‌ای موثر بین رابطه اشتغال مادر با مشکلات رفتاری کودک محسوب می‌شوند و این رابطه یک ارتباط مستقیم خطی نبوده و توسط عوامل متعددی تعدیل می‌شود.

روشن است که درباره نتایج این پژوهش بایستی از تعمیم گسترده خودداری کرد و محدودیت‌های آن را در نظر گرفت: نخست آن که نمونه محدود به شهر اراک است، به علاوه متغیرهای دیگری چون متغیرهای دیگری نظیر نوع شغل مادر و میزان استرس‌های شغلی در نظر گرفته نشد. در راستای پیشگیری از اختلافات کودکان و بهبود تعامل والد-کودک می‌توان راه‌حل‌ها و پیشنهاداتی ارائه کرد نخست آن‌که، بر مبنای فاکتورهای تعدیل‌کننده که در پژوهش ذکر شد می‌توان پیشنهاد نمود قوانین از مادران و کودکان حمایت بیشتری کند و شرایطی را فراهم سازند تا مادران شاغل بتوانند حداقل در ۲ سال اول زندگی که جدایی روزانه بیشترین تاثیر را بر کودک می‌گذارد، خود از فرزندشان مراقبت نمایند. به طوری که مادران بتوانند بدون هراس از دست دادن شغل و سمت خود به راحتی در این سال‌های حساس مراقبت از کودک خود را به عهده گیرند. همچنین، با آموزش‌های مدون به مادران جوان شاغل می‌توان آن‌ها را آماده ساخت تا به جبران فقدان حضور فیزیکی خود پرداخته و در ساعاتی که در خانه هستند حتماً اوقاتی متناسب و کافی را در اختیار کودک باشند تا نیازهای روان‌شناختی او را تامین نمایند. در واقع این مادران باید بتوانند تعادلی بین محرک‌های رقیب با مراقبت از کودک برقرار نمایند و همواره مراقبت کافی عاطفی از کودک را به هر محرک رقیب دیگر مانند خانه‌داری ترجیح دهند.

## تشکر و قدردانی

پژوهشگران از همکاری تمامی مسئولین و کارکنان مهدهای شهر اراک و مادران، در اجرای این پژوهش، کمال قدردانی و تشکر را دارند.

## منابع

- بیرامی، منصور (۱۳۸۸). تاثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری به مادران پسران دبستانی مبتلا به اختلالات برونی‌سازی شده بر سلامت روانی و شیوه‌های تربیتی آن‌ها، مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال ۱۱، شماره ۴۲، ص ۱۰۵-۱۱۴.
- پرهیزکار، آذردهت؛ محمودنیا، علیرضا و محمدی، شهناز (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت رابطه والد-فرزند در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال ۳، شماره ۲، ص ۸۲-۹۳.
- تیموری فر، سعید؛ عطایی فر، راشین (۱۳۸۹). رابطه‌ی تنیدگی مادر و اختلالات رفتاری و عاطفی کودک، فصلنامه اندیشه و رفتار روان‌شناسی بالینی، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۱۷-۲۶.
- جلالی، محسن و همکاران (۱۳۸۸)، تاثیر آموزش فرزندپروری مثبت بر کاهش اختلالات برونی‌سازی شده در کودکان ۷ تا ۱۰ ساله، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تبریز، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۲۲-۴۳
- حسن‌زاده، محمد؛ چراغی، مه‌رزاد (۱۳۹۰). بررسی رابطه ولی-فرزند و خودکارآمدگی اجتماعی نوجوانان، دومین همایش ملی روان‌شناسی، تهران، ایران.
- خانجانی، زینب؛ محمودزاده، رقیه (۱۳۹۲). فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۳۷-۵۲.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ حسینیان، سیمین؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). مقایسه شیوه‌های مقابله با استرس و خودپنداره در زنان متأهل تحصیل‌کرده شاغل و غیرشاغل، فصلنامه روان پرستاری، سال ۶، شماره ۱۸، ص ۹-۲۱.
- خدایاری فرد، محمد و یاسمین عابدینی (۱۳۸۲). خانواده درمانی اختلال وسواس بی‌اختیاری - کودکان و نوجوانان با تاکید بر فنون شناختی - رفتاری. مجله علوم روان‌شناختی، سال ۲، شماره ۶، ص ۱-۲۱.
- مینایی، اصغر (۱۳۸۵). انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتاری کودک آخنباخ، پرسش‌نامه خودسنجی و فرم گزارش معلم. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی ۱۹. سال ۶، شماره ۱، ص ۵۲۹-۵۵۸.
- Berger, L., Brooks-Gunn, J., Paxson, C., & Waldfogel, J. (2008). First-year maternal employment and child outcomes: Differences across racial and ethnic groups. *Children and Youth Services Review*, 30(4), 365-387.
- Beyer, S. (1995). Maternal employment and children academic achievement: parenting styles as mediating variable. *Developmental Review*, 15(2), 212-253.
- Bianchi, S. M. (2000). Maternal employment and time with children: Dramatic change or surprising continuity? *Demography*, 37(4), 401-414.
- Cabrera, N. J., Hofferth, S. L., & Hancock, G. (2014). Family structure, maternal employment, and change in children's externalizing problem behaviour: Differences by age and self-regulation. *European Journal of Developmental Psychology*, 11(2), 136-158.

- Costin, J., Lichte, C., Hill-Smith, A., Vance, A., & Luk, E. (2004). Parent group treatments for children with oppositional defiant disorder. *Australian e-Journal for the advancement of mental health*, 3(1), 36-43.
- Côté, S. M., Borge, A. I., Geoffroy, M. C., Rutter, M., & Tremblay, R. E. (2008). Nonmaternal care in infancy and emotional/behavioral difficulties at 4 years old: moderation by family risk characteristics. *Developmental Psychology*, 44(1), 155-168.
- Crouter, A. C., & Bumpus, M. F. (2001). Linking parents' work stress to children and adolescents' psychological adjustment. *Current Directions in Psychological Science*, 10(5), 156-159.
- Daniel, S.S., Grzwacz, J.G., Leerkes, E.s. Tucker, J. Wen-Juihan. (2009). Nonstandard maternal work schedules during infancy: Implications for children early behavior problems. *Infant Behavior and Development*, 32(2), 195-207.
- Fine, M. A., Worley, S. M., & Schwebel, A. I. (1985). The parent-child relationship survey: An examination of its psychometric properties. *Psychological reports*, 57(1), 155-161.
- Gimpel, G.A., Holland, M.L. (2003). Emotional and behavioral problem of young children: Effective intervention in the preschool and kindergarten years. 1st ed. New York: Guildford, 400-27.
- Goldberg, Wendy A. Prause, J. Lucas-Thompson, R. Himsel, A. (2008). Maternal employment and children's achievement in context: A meta-analysis of four decades of research. *Psychological Bulletin*, 134(1), 77-108.
- Harvey, E. (1999). Short-Term and Long-Term Effects of Early Parental Employment on Children of the National Longitudinal Survey of Youth. *Developmental Psychology*, 35(2):445-459.
- Huston, A. C., & Rosenkrantz Aronson, S. (2005). Mothers' time with infant and time in employment as predictors of mother-child relationships and children's early development. *Child development*, 76(2), 467-482.
- Kalil, A., & Dunifon, R. (2007). Maternal work and welfare use and child well-being: Evidence from 6 years of data from the Women's Employment Study. *Children and Youth Services Review*, 29(6), 742-761.
- Kazdin, A. E., & Whitley, M. K. (2003). Treatment of parental stress to enhance therapeutic change among children referred for aggressive and antisocial behavior. *Journal of consulting and clinical psychology*, 71(3), 504-515.
- Larson, A. M. (2015). The Role of Maternal Employment Characteristics in Explaining the Impact of Income Changes on Child Behavior. In Society for Social Work and Research 19th Annual Conference: The Social and Behavioral Importance of Increased Longevity. Sswr.
- Milkie, M. A., Nomaguchi, K. M., & Denny, K. E. (2015). Does the Amount of Time Mothers Spend With Children or Adolescents Matter?. *Journal of Marriage and Family*, 77(2), 355-372.
- Miner, J. L., & Clarke-Stewart, K. A. (2008). Trajectories of externalizing behavior from age 2 to age 9: relations with gender, temperament, ethnicity, parenting, and rater. *Developmental psychology*, 44(3), 771-786.
- Moore Kristin, A., Driscoll, A. K. (1997). Low-Wage Maternal Employment and Outcomes for Children: A Study. *The Future of Children*. 7(1):122-127

- Nes, R. B., Hauge, L. J., Kornstad, T., Kristensen, P., Landolt, M. A., Eskedal, L. T., ... & Vollrath, M. E. (2014). The Impact of Child Behaviour Problems on Maternal Employment: A Longitudinal Cohort Study. *Journal of family and economic issues*, 35(3), 351-361.
- Roeters, A., Van Der Lippe, T., & Kluwer, E. S. (2010). Work Characteristics and Involvement. *Journal of Marriage and Family*, 72(5), 1317-1328.
- Sung, V., Hiscock, H., Sciberras, E., & Efron, D. (2008). Sleep problems in children with attention-deficit/hyperactivity disorder: prevalence and the effect on the child and family. *Archives of Pediatrics & Adolescent Medicine*, 162(4), 336-342.
- Waldfogel, J., Han, W. J., & Brooks-Gunn, J. (2002). The effects of early maternal employment on child cognitive development. *Demography*, 39(2), 369-392.
- Zachrisson, H. D., & Dearing, E. (2015). Family Income Dynamics, Early Childhood Education and Care, and Early Child Behavior Problems in Norway. *Child development*, 86(2), 425-440.